

مقایسه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص قیمت تولیدکننده

فردریک ملک

کارشناس اداره مطالعات و تحقیقات آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

□ مقدمه

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص قیمت تولیدکننده از مهمترین شاخص‌های قیمت می‌باشند که نه تنها بعنوان نماگرهای اقتصادی نشاندهنده نرخ تورم و روند تورمی هستند، بلکه به عنوان deflator در محاسبات ملی بکار برده می‌شوند. این شاخص‌های قیمت جهت ارزیابی سیاستهای کلان اقتصادی، مورد استفاده سیاست‌گذاران و محققین می‌باشد.

با توجه به اهمیت شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی* و شاخص قیمت تولیدکننده، در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، در این گزارش سعی شده است ضمن توضیح مختصری راجع به هر یک از این دو شاخص، مقایسه اجمالی این دو شاخص نیز انجام گیرد.

* نام بین‌المللی این شاخص، "شاخص قیمت مصرف‌کننده (Consumer Price Index - CPI)" می‌باشد.

□ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی دارای سابقه تاریخی طولانی می‌باشد و تقریباً هم‌اکنون در همه کشورهای دنیا این شاخص تهیه می‌گردد. این شاخص قبلاً به نام‌های شاخص هزینه زندگی و شاخص قیمت خرده‌فروشی خوانده می‌شد ولی در سال‌های اخیر در اکثر کشورها نام آن به شاخص قیمت مصرف‌کننده تغییر نموده است.

دلیل تغییر نام این شاخص از "شاخص هزینه زندگی" به "شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی"، این بوده است که در شاخص هزینه زندگی می‌بایست تغییرات هزینه زندگی را مورد محاسبه قرار داد. وقتی صحبت از هزینه زندگی است می‌بایست کل هزینه‌های خانوار از جمله مالیاتها و بیمه‌ها نیز در محاسبات آورده شود. همچنین وقتی مقدار مصرف و نوع کالاها و خدمات مصرفی خانوارها و نهایتاً الگوی مصرف خانوارها تغییر می‌یابد، این تغییرات می‌بایست در محاسبات منظور گردد. حال آنکه در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ابتدا یک "سبد خرید" ثابت (کالاها و خدمات مشمول شاخص که مهمترین اقلام مورد استفاده خانوارها می‌باشند) در یک دوره زمانی خاص (یک سال، یا یک ماه و یا متوسط چند سال) که زمان پایه نامیده می‌شود، در نظر گرفته می‌شود و مقایسه تغییرات قیمت در هر دوره فقط با توجه به این سبد انجام می‌گیرد و تغییر الگوی مصرف و وزن (ضریب اهمیت) اقلام در فاصله زمانی کوتاه مطرح نمی‌باشد. دلیل انتخاب این روش این است که منظور در اینجا مقایسه قیمت‌های یک مجموعه از کالاها و خدمات با یک سبد ثابت و ضرایب اهمیت ثابت است که تغییرات شاخص فقط تغییرات قیمت را منعکس نماید و نه تغییرات مصرف. زیرا که اگر در دو مقطع زمانی، هزینه‌های خانوار را مقایسه کنیم، تغییرات هزینه لزوماً بمعنی تغییرات قیمت کالاها و خدمات نمی‌باشد و تغییرات مصرف در دو زمان در محاسبات دخالت خواهد داشت. از طرف دیگر بدلیل اینکه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی یک برآوردی از نرخ تورم می‌باشد، سعی می‌شود که آن هزینه‌های که بر قیمت‌های خرده‌فروشی وابسته نمی‌باشند مانند برخی از انواع مالیاتها و بیمه‌ها، در

محاسبات آورده نشود. حال آنکه در شاخص هزینه زندگی می‌بایست کل هزینه‌ها منظور گردد. هر چند، در بررسی‌های انجام گرفته، در شرایط عادی، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی، یک برآورد مناسب از شاخص هزینه زندگی می‌باشد.

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، از طرف دیگر، شاخص قیمت خرده‌فروشی (Retail Price Index - RPI) نمی‌باشد، چرا که در شاخص قیمت خرده‌فروشی وزنه‌های کالاها می‌بایست براساس حجم کالاهایی که وارد بازار خرده‌فروشی می‌شود، محاسبه گردد. حال آنکه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی، این حجم کالاها را در نظر نمی‌گیرد و هدف آن محاسبه شاخص قیمت بر مبنای مقدار مصرف خانوارها است و این مقادیر مصرف بعنوان وزن در محاسبات شاخص دخالت می‌نماید. با این حال شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در شرایط عادی، یک برآورد مناسب از شاخص قیمت خرده‌فروشی می‌باشد.

□ شاخص بهای تولیدکننده

شاخص بهای تولیدکننده یک شاخص قیمت تقریباً جدید می‌باشد (هر چند این شاخص در ادامه و جانشین شاخص بهای عمده فروشی کالاها است). در تهیه این شاخص، قیمت‌های دریافتی بوسیله تولیدکننده داخلی و یا صادرکننده در اولین مبادله تجاری مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. شاخص قیمت تولیدکننده به قیمت‌هایی گفته می‌شود که خریدار در ازاء خرید کالا به تولیدکننده می‌پردازد. خریدار می‌تواند عمده فروش و یا دیگر زنجیره‌های توزیع و یا خرده فروش باشد. قیمت‌های تولیدکننده تغییرات قیمت فروش تمام کالاها و خدمات تولید شده در کشور که به عمده‌فروشان، خرده‌فروشان و یا صنایع فروخته می‌شود و همچنین به کشورهای خارجی صادر می‌گردد را منعکس می‌کند. شاخص قیمت کالاهای وارداتی جزء مجموعه این شاخص نمی‌باشد. بسیاری از بخش‌های مختلف صنایع در موسسات کوچک که کالاها مستقیماً توسط تولید کنندگان به مصرف کنندگان نهایی فروخته می‌شود نظیر نان، مبلمان، پوشاک و کفش، مورد پوشش این شاخص قرار می‌گیرد.

دو نوع شاخص بهای تولیدکننده وجود دارد:

۱- شاخص بهای تولیدکننده با توجه به "قیمت تولیدکننده" (Producer's Price):

۲- شاخص قیمت تولیدکننده با توجه به "قیمت پایه‌ای" (Basic Price).

در محاسبات شاخص قیمت تولیدکننده با استفاده از "قیمت تولیدکننده"، قیمت‌ها (برای هر قلم کالا) شامل مالیات بر تولید می‌باشد و یارانه دریافتی بوسیله تولیدکننده را شامل نمی‌گردد (این قیمت‌ها، قیمت‌های واقعی است که مصرف کننده و یا خریدار برای خرید کالا می‌پردازد). در شاخص بهای تولیدکننده با استفاده از "قیمت پایه‌ای" مالیات بر تولید در محاسبات منظور نمی‌شود و یارانه دریافتی بوسیله تولیدکننده را شامل می‌گردد (این قیمت، قیمت واقعی تولید یک کالا می‌باشد). شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت تولیدکننده" می‌تواند بعنوان معیاری جهت نشان دادن تورم از دیدگاه خریدار مورد استفاده قرار گیرد حال آنکه شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت پایه‌ای" این تورم را از دیدگاه تولیدکننده (با توجه به واقعیت) منعکس می‌کند. در بخش‌های مختلف تجاری بیشتر علاقمند به اطلاع از روند قیمت‌ها که شامل مالیات می‌باشد، هستند و در نتیجه شاخص قیمت تولیدکننده با توجه به "قیمت تولیدکننده" مورد توجه می‌باشد. تحلیل‌گران اقتصادی بیشتر مایل هستند که تورم را از دیدگاه قیمت‌های واقعی تولید مورد مطالعه قرار دهند و احتمالاً علاقمندند که قیمت‌های کالاها را بدون در نظر گرفتن مالیات مورد مطالعه قرار دهند و در نتیجه شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت پایه‌ای" می‌تواند برای آنها مفید باشد. بعنوان deflator هر دو شاخص قیمت در محاسبات ملی مورد استفاده دارد.

لازم به توضیح است که هر دو شاخص قیمت تولیدکننده، به نام (Producer Price Index - PPI)

خوانده می‌شود (نوع اول این شاخص که بر مبنای شاخص "قیمت تولیدکننده" می‌باشد نیز با همین نام کلی خوانده می‌شود). در ایران هم اکنون، بر مبنای سال پایه ۱۳۶۹، شاخص قیمت تولیدکننده براساس "قیمت تولیدکننده" محاسبه و انتشار می‌یابد و بزودی بر مبنای سال پایه ۱۳۷۶ دو شاخص قیمت تولیدکننده یک بر مبنای "قیمت تولیدکننده" و دیگری "قیمت پایه‌ای" محاسبه و انتشار می‌یابد.

□ مقایسه دو شاخص قیمت

در زیر دو شاخص قیمت فوق الذکر از دیدگاه ۱- فرمول محاسبه، ۲- وزن یا ضریب اهمیت اقلام مشمول شاخص، ۳- قیمت‌گیری و منابع اطلاع، ۴- طبقه‌بندی و ۵- موارد استفاده، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها مقایسه اعداد این دو شاخص از سال پایه ۱۳۶۹ تا کنون در قالب جدولی آمده است.

۱- فرمول محاسبه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و شاخص قیمت تولیدکننده

هر دو شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی و شاخص قیمت تولیدکننده با استفاده از شاخص قیمت لاسپیرز محاسبه می‌گردد. شاخص قیمت لاسپیرز از دو قسمت اصلی تشکیل شده است که یکی وزن‌ها یا ضرایب اهمیت اقلام مشمول شاخص است که در سال پایه تعیین می‌شود و تا سال پایه بعدی (در ایران معمولاً هر ۷ یا ۸ سال یکبار سال پایه تغییر می‌کند) ثابت می‌ماند و قسمت دوم قیمت (و یا تغییر قیمت) اقلام مشمول شاخص است که هر ماهه از منابع اطلاع جمع‌آوری می‌گردد و برای محاسبه شاخص بکار برده می‌شود. با استفاده از این قیمت‌ها و ضرایب اهمیت، شاخص قیمت برای هر قلم مشمول شاخص و گروه‌های فرعی و اصلی و همچنین شاخص کل، محاسبه می‌شود.

● فرمول شاخص قیمت لاسپیرز

فرمول استاندارد شاخص قیمت لاسپیرز به شکل زیر می‌باشد:

$$I_{t,0} = \frac{\sum_{i=1}^n P_{tj} q_{0j}}{\sum_{i=1}^n P_{0j} q_{0j}} \times 100 = \sum_{i=1}^n \left[\frac{P_{tj}}{P_{0j}} \right] \left[\frac{P_{0j} q_{0j}}{\sum_{i=1}^n P_{0j} q_{0j}} \right] \times 100 \quad (1)$$

که در این فرمول:

$I_{t,0}$: شاخص قیمت در زمان t .

$I_{0,0}$: شاخص قیمت در زمان t .

n : تعداد اقلام (کالاها و خدمات) مشمول شاخص.

t : زمان محاسبه شاخص.

$P_{0,i}$: قیمت قلم i ام در زمان صفر (زمان پایه).

$P_{t,i}$: قیمت قلم i ام در زمان t .

$q_{0,i}$: مقدار قلم i ام در زمان صفر، می باشد.

قسمت اول فرمول (۱) (فرمول بعد از علامت تساوی دوم) تغییر قیمت هر قلم را در زمان t

نسبت به زمان صفر نشان می دهد و قسمت دوم فرمول، وزن (ضریب اهمیت) هر قلم در زمان صفر می باشد.

فرمول بالا به صورت تعدیل شده و به شکل زیر نیز نوشته می شود.

$$I_{t,0} = \sum_{i=1}^n \left[\frac{P_{t,i}}{P_{t-1,i}} \right] \left[\frac{P_{t-1,j}}{P_{0,j}} \times \frac{P_{0,j} q_{0,j}}{\sum_{i=1}^n P_{0,i} q_{0,i}} \right] \times 100 \quad (2)$$

با توجه به فرمول (۲) ملاحظه می شود که شاخص در زمان $t-1$ محاسبه شده و سپس این

شاخص برای هر قلم در تغییر قیمت دوره t نسبت به دوره $t-1$ ضرب می شود و شاخص قیمت زمان t را نسبت به زمان صفر بدست می دهد.

فرمول (۲) از نظر محاسباتی آسان تر است چون در هر زمان فقط کافی است که تغییر قیمت را برای هر قلم بدست آورد و سپس در شاخص قیمت همان قلم در زمان قبل ضرب نمود تا شاخص قیمت در زمان t بدست آید. مجموع موزون این تغییرات قیمت، شاخص های قیمت را در هر گروه و در نهایت شاخص کل را بدست می دهد.

قسمت دوم فرمول (۲) شاخص قیمت زمان قبل ($t-1$) می باشد که بطور زنجیره ای از حاصل ضرب وزن سال پایه در تغییرات قیمت اقلام در هر دوره بدست آمده است و در حقیقت وزن (برآوردی) هر قلم در زمان $t-1$ را نشان می دهد. این وزن را وزن جاری می نامند. مقایسه این وزن ها با

وزن‌های سال پایه می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری برای تغییر سال پایه باشد. بدین معنی که وقتی وزن جاری ارقام با وزن سال پایه تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، این ضرورت ایجاد می‌گردد که سال پایه تغییر پیدا کند. البته دلایل دیگری نیز برای تغییر سال پایه وجود دارد و آن انتخاب سال مناسب می‌باشد. بدین معنی که سالی را باید بعنوان سال پایه انتخاب کرد که در آن سال نوسانات شدید در قیمت‌ها و دیگر شرایط اقتصادی ایجاد نشده باشد و به اصطلاح یک سال تقریباً عادی از نظر وضعیت قیمت‌ها باشد که مقایسه‌های دوره‌های بعدی شاخص با آن سال به سهولت قابل درک باشد.

بطور کلی می‌توان گفت که شاخص‌های قیمت نظیر شاخص قیمت لاسپیرز، پاشه و فیشر هر یک دارای موارد استفاده متفاوت و مزایا و معایبی هستند.

دلیل عمده اینکه فرمول شاخص قیمت لاسپیرز هم اکنون در بیشتر کشورهای جهان و بطور گسترده‌ای جهت برآوردی از نرخ تورم مورد استفاده قرار می‌گیرد اینست که در این فرمول فقط تغییرات قیمت اندازه‌گیری می‌شود چرا که وزنها در یک زمان (سال یا ماه) ثابت می‌باشند و در نتیجه وقتی مقایسه دو شاخص قیمت در دو دوره متفاوت انجام می‌گیرد فقط تغییرات قیمت را بدست می‌دهد، حال آنکه در شاخص‌های دیگر نظیر شاخص قیمت پاشه که وزنها در هر دوره تغییر پیدا می‌کند، مقایسه شاخص‌های قیمت در دو دوره نه فقط تغییرات قیمت بلکه تغییرات وزنها را نیز منعکس می‌کند. ضمن آنکه محاسبه تغییرات وزنها در هر زمان مستلزم صرف وقت و هزینه زیاد می‌باشد. هر چند فرمول شاخص قیمتی که تغییرات وزنها را مورد نظر قرار می‌دهد (مانند شاخص قیمت پاشه) موارد استفاده زیادی در بخش‌های مختلف حسابهای ملی بعنوان deflator دارد.

عیب اصلی شاخص قیمت لاسپیرز این است که چنانچه وزنه‌های ارقام به موقع تغییر نیابد، از آنجاییکه مصرف‌کننده ارقام انتخابی خود را با توجه به درآمد و هزینه خود انتخاب می‌کند (معمولاً ارقامی را مصرف می‌کند که تغییر قیمت کمتری داشته‌باشد)، این شاخص یک برآورد بالا از نرخ تورم را بدست می‌دهد و بهمین دلیل است که در شرایطی که نوسانات قیمت شدید است می‌بایست سال پایه شاخص‌های قیمت سریعتر تغییر یابد.

۲ - وزن (ضریب اهمیت) اقلام مشمول شاخص

وزن‌ها یا ضرایب اهمیت اقلام مشمول شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در یک سال، که سال پایه نامیده می‌شود با توجه به هزینه‌های خانوار تعیین می‌گردد. آخرین سال پایه شاخص‌های قیمت سال ۱۳۷۶ می‌باشد. در این سال حدود ۱۰۰۰۰ خانوار نمونه در کل کشور انتخاب و بررسی شده‌اند. از این بررسی متوسط هزینه هر قلم از اقلام مورد استفاده خانوارهای شهری بدست می‌آید و با محاسبه نسبت هزینه هر قلم به کل هزینه، ضریب اهمیت هر قلم بدست می‌آید. سبد کالاها و خدمات (سبد خرید) مصرفی خانوارها عمدتاً با استخراج کالاها و خدماتی که بیشترین ضریب اهمیت را دارند، بدست می‌آید. ضرایب اهمیت اقلام باقیمانده به تناسب بین اقلام انتخابی و در گروه‌های مربوط توزیع می‌گردد. با توجه به اینکه کالاهای انتخاب شده در این بررسی برای مصرف خانوارها می‌باشد، در نتیجه کالاهای انتخابی اکثراً کالاهای نهایی ساخته شده و آماده مصرف می‌باشد.

در سال پایه ۱۳۷۶، سبد خرید در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی شامل ۳۱۰ قلم کالا و خدمت می‌باشد که از این تعداد ۱۰۶ قلم کالای خوراکی و ۲۰۴ قلم کالای غیرخوراکی و خدمت می‌باشد. ضمناً از کل تعداد ۳۱۰ قلم، ۲۵۷ قلم کالا و ۴۳ قلم خدمت و ۱۰ قلم مربوط به مسکن و ساختمان می‌باشد.

وزن یا ضریب اهمیت اقلام مشمول شاخص قیمت تولیدکننده با توجه به ارزش تولید و یا فروش یک کالا و یا خدمت بدست می‌آید. بدین ترتیب که ضریب اهمیت یک کالا و یا خدمت عبارتست از نسبت ارزش تولید و یا فروش (در سال پایه) آن کالا یا خدمت به ارزش کل تولید و یا فروش (در سال پایه) آن در کل اقتصاد (شهری و روستایی) کشور. کالاهای تشکیل دهنده این شاخص شامل کالاهای تمام شده، کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه می‌باشد.

سبد شاخص قیمت تولیدکننده در سال پایه ۱۳۶۹ شامل ۲۹۷ قلم کالا که از نظر تولید بالاترین حجم را در سال ۱۳۶۹ داشته‌اند، می‌باشد. کالاهای انتخاب شده حدود ۹۵ درصد از کل حجم تولیدات را در برمی‌گیرد. در بخش خدمات، کلیه خدماتی که در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مورد استفاده قرار می‌گیرند و تعداد قابل توجهی خدمت جدید که امکان دسترسی به ارزش خدمات

عرضه شده آنها در کل اقتصاد کشور مقدور بوده است، منظور شده است و در این بخش رویهم ۵۶ خدمت انتخاب شده است.

در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، وزنهای اقلام خدمات براساس مصرف خانوار بدست می آید ولی در شاخص قیمت تولیدکننده، کل تولید در نظر گرفته می شود. بطور مثال وزن برق در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی همان مقداری است که خانوار بابت آن پرداخت می کند که از بررسی بودجه خانوار بدست می آید ولی در شاخص قیمت تولیدکننده وزن برق برمبنای کل برق تولید شده در کشور محاسبه می گردد.

ضرایب اهمیت در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در هر یک از ۷۲ شهر نمونه در ۲۸ استان کشور بطور جداگانه محاسبه می شود و با توجه به جمعیت شهرها و استانها این ضرایب اهمیت موزون می گردد ولی در شاخص قیمت تولیدکننده ضرایب اهمیت با توجه به مقادیر تولید در کل کشور بدست می آید.

بنابراین تفاوت اصلی در وزنها (ضرایب اهمیت) اقلام تشکیل دهنده این دو شاخص اینست که در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، وزنها برمبنای مصرف خانوارها است ولی در شاخص قیمت تولیدکننده وزنها برمبنای ارزش تولید و یا فروش در کل اقتصاد کشور می باشد. کالاهای مشمول شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مورد مصرف خانوارها می باشد و کالاهای نهایی (آماده مصرف) می باشند ولی در شاخص قیمت تولیدکننده کالاها ممکن است کالاهای ساخته شده (نهایی)، واسطه ای و یا مواد اولیه باشند.

۳ - قیمت گیری و منابع اطلاع

منابع قیمت گیری در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، منابع خرده فروشی می باشند و این شاخص، تغییرات قیمت را در سطح خرده فروشی منعکس می کند. حال آنکه منابع قیمت در شاخص قیمت تولیدکننده، قیمت هایی است که خریدار در ازاء خرید کالا و یا خدمت به تولیدکننده می پردازد و این شاخص تغییرات قیمت فروش تمام کالاها و خدمات تولید شده را به عمده فروشان، خرده فروشان و دیگر منابع و یا تغییرات قیمت کالاهای صادر شده به کشورهای خارجی را منعکس می کند.

قیمت‌ها در شاخص بهای تولیدکننده در بخش صنایع، قیمت‌های در کارخانه، در بخش کشاورزی قیمت‌های سر مزرعه و یا دیگر قیمت‌های منابع عمده فروشی و یا خرده‌فروشی می‌باشد.

۴ - طبقه‌بندی

طبقه‌بندی کالاها و خدمات مشمول شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی براساس طبقه‌بندی بین‌المللی محاسبات ملی (System of National Accounts - SNA) که برای مصرف خانوار پیشنهاد شده‌است، می‌باشد. ولی طبقه‌بندی اقلام در شاخص تولیدکننده براساس طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی کلیه رشته‌های فعالیت‌های اقتصادی (International Standard Industrial Classification ISIC) که عمدتاً براساس محصولات تولیدی و نوع آنها در کلیه فعالیت‌های اقتصادی طبقه‌بندی شده‌است، می‌باشد.

۵ - موارد استفاده

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از مهمترین نماگرهایی است که جهت سنجش نرخ تورم و قدرت خرید پول داخلی کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این شاخص به منظور برنامه ریزی‌های رفاهی و تامین اجتماعی نیز استفاده می‌شود. از جمله کاربردهای دیگر این شاخص، تعدیل مرزها و حقوق‌ها، تنظیم قراردادهای دو جانبه و دعاوی حقوقی است. از این شاخص بعنوان deflator در محاسبات ملی برای قیمت‌های جاری مصرف خانوار و قسمت‌هایی از دیگر مجموعه‌ها، شامل مصارف دولتی، سرمایه‌گذاری و ساختمان استفاده می‌گردد.

شاخص بهای تولیدکننده روند تغییرات قیمت‌ها را از دیدگاه تولیدکننده و خریدار در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت، معدن و خدمات نشان می‌دهد. این شاخص می‌تواند بعنوان یک نماگر پیش‌نگر (Leading Indicator) برای نشان دادن زود هنگام روند تورمی بکار برده شود. یکی از موارد استفاده مهم شاخص بهای تولیدکننده بکار بردن آن بعنوان deflator در بخش‌های مختلف در محاسبات حسابهای ملی در بخشی از مجموعه هزینه‌ها نظیر کالاهای صادراتی، خدمات تجاری و مولفه‌های سرمایه‌گذاری ثابت، مصارف دولتی، بخش ساختمان و تولیدات لوازم بادوام، می‌باشد.

با توجه به موارد فوق و تفاوت‌های زیادی که این دو شاخص دارند، نباید انتظار داشت که این دو شاخص قیمت در هر زمان بهم نزدیک باشند، با این حال، روند این دو شاخص قیمت تقریباً یکسان است، زیرا وقتی که قیمت‌ها در شاخص قیمت تولیدکننده که شامل قیمت کالاهای اولیه، واسطه‌ای و تولید شده می‌باشد، تغییر می‌کند، قیمت کالاها در بازار خرده‌فروشی نیز با وقفه تغییر می‌یابد و باعث تغییر در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی می‌گردد.

□ مقایسه اعداد دو شاخص از سال پایه ۱۳۶۹ تاکنون

در جدول زیر مقایسه اعداد شاخص و رشد سالانه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای تولیدکننده از سال پایه ۱۳۶۹ آمده است.

سال	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی		شاخص بهای تولیدکننده	
	اعداد شاخص*	رشد سالانه	اعداد شاخص	رشد سالانه
۱۳۶۹	۱۰۰/۰	۹/۰	۱۰۰/۰	۰
۱۳۷۰	۱۲۰/۷	۲۰/۷	۱۲۲/۶	۲۲/۶
۱۳۷۱	۱۵۰/۱	۲۴/۴	۱۵۶/۴	۲۷/۶
۱۳۷۲	۱۸۴/۴	۲۲/۹	۱۹۳/۹	۲۴/۰
۱۳۷۳	۲۴۹/۳	۳۵/۲	۲۵۷/۶	۳۲/۸
۱۳۷۴	۳۷۲/۴	۴۹/۴	۳۷۹/۹	۴۷/۵
۱۳۷۵	۴۵۸/۸	۲۳/۲	۴۸۰/۱	۲۶/۴
۱۳۷۶	۵۳۸/۲	۱۷/۳	۵۵۵/۰	۱۵/۶
۱۳۷۷	۶۳۵/۶	۱۸/۱	۶۵۳/۹	۱۷/۸
۱۳۷۸	۷۵۳/۴	۲۰/۱	۷۹۶/۰	۲۱/۷

* سال پایه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۷۶ تغییر یافت و جهت مقایسه آن با شاخص قیمت تولیدکننده (که سال پایه آن هنوز سال ۱۳۶۹ می‌باشد)، اعداد هر دو شاخص بر مبنای سال پایه ۱۳۶۹ آمده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود اعداد شاخص و رشد سالانه دو شاخص در هر سال بهم نزدیک می‌باشد و در انتهای سال ۱۳۷۸، عدد شاخص در هر دو شاخص قیمت تقریباً بهم بسیار نزدیک می‌باشد (۷۶۳/۴ و ۷۹۶/۰). بطور کلی می‌توان گفت که این دو شاخص از سال پایه ۱۳۶۹ به بعد دارای روندی یکسان هستند.